

پژوهش

در مطالعات اجتماعی

فعال سازدانش آموزان

مقدمه

فعال سازی دانش آموزان اول متوسطه در درس «مطالعات اجتماعی» به عنوان یک وظیفه و نقش شغلی، در آغاز برایم به عنوان یک تصمیم مطرح شد؛ تصمیمی که عملی ساختن آن دشوار می نمود. در واقع این تصمیم برای مقابله با مسائل آموزشی علوم اجتماعی در ذهنم نقش بسته بود. ساده پنداشتن و دست کم گرفتن این درس در دوره متوسطه، یکی از مشکلات دبیران علوم اجتماعی است. هر چند بسیاری از مفاهیم و موضوعات درس مطالعات اجتماعی را نگارنده هم اکنون با استفاده از روش های فعال آموزش تدریس می کند، اما کار را با آموزش «هنجار اجتماعی» آغاز کردم و این گزارش نیز به آغاز کار و چگونگی آموزش مفهوم هنجار اجتماعی محدود است. چگونگی اجرای روش تدریس «ایفای نقش» در آموزش هنجار اجتماعی، چارچوب اصلی گزارش تحقیق را تشکیل می دهد. در واقع این گزارش، هم گزارش فعالیت آموزشی نگارنده است و هم شرح تدوین، تنظیم، ارزیابی و اعتباربخشی برای ارائه آن.

کلیدواژه ها: فعال سازی، ایفای نقش،

یادگیری فعال، هنجار اجتماعی

پژوهشگر: صدیقه جلالی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی

۴

زنبد آفرین
دوره ۱۵
شماره ۴
تابستان ۱۳۹۱

مسئله پژوهش

چگونه دانش‌آموزان را در فرایند یاددهی-یادگیری درس مطالعات اجتماعی فعال سازم؟

تعریف مسئله

جلب توجه دانش‌آموزان به درس، واداشتن آن‌ها به شناخت محیط اجتماعی خود و تفاوت‌گذاری بین شناخت علمی مفاهیمی مانند گروه، هنجار، ارزش، نقش و نظام اقتصادی و شناخت عامیانه این مفاهیم، و در نهایت، قبولاندن این امر به دانش‌آموزان که بین محتوای درس، و زندگی و تجربیات روزمره آنان ارتباط وجود دارد. کاری دشوار و در عین حال، راه‌حلی برای مسئله بود. در اجرای نقش آموزشی، معلم تا حدودی در انتخاب روش تدریس آزادی عمل دارد. برای حل مسئله پیش رو و نیل به هدف، «روش تدریس ایفای نقش» را برگزیدم و این فرضیه را در نظر گرفتم که: «با اجرای روش تدریس ایفای نقش در فرایند یاددهی-یادگیری می‌توان دانش‌آموزان را در درس مطالعات اجتماعی از سطح موجود به سطح یادگیری فعال ارتقا داد.»

تعریف چند اصطلاح

نقش: طرح شکل یافته‌ای از تداوم رفتارها، کلمات و احساسات در ارتباط با دیگران است [جویس، ۲۰۰۴: ۳۰۸].
ایفای نقش: ایفای نقش به عنوان یک الگوی تدریس، نمونه‌های زنده از رفتار معلمی است که می‌کوشد به شاگردان کمک کند احساسات خود را دریابد، بینشی نسبت به نگرش‌ها و ارزش‌های خود به دست آورد و موضوع‌های درسی را به طرق گوناگون کاوش کنند [همان، ص ۳۰۶].
یادگیری: بروز تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار فرد است که در اثر تغییرات شناختی و تجربه به وجود می‌آید [حسینی، ۱۳۷۵].
یادگیری فعال: فعالیت یادگیرنده و مشارکت او در یافتن راه‌حل مسائل، برقراری ارتباط ساختاری بین عوامل گوناگون، و سازمان دادن به اطلاعات به نحو معنی‌داری است [پیشین].

پرسش‌های پژوهش

۱. چرا دانش‌آموزان در یادگیری درس مطالعات اجتماعی فعالیت لازم را ندارند؟
۲. چه روش‌ها و راهبردهایی برای فعال ساختن دانش‌آموزان کارآمد هستند؟
۳. چگونه می‌توان علاقه و انگیزه دانش‌آموزان را برای یادگیری درس مطالعات اجتماعی تحریک کرد؟
۴. چه شرایط و امکاناتی را می‌توان فراهم آورد تا دانش‌آموزان در درس مطالعات اجتماعی فعال شوند؟

اهداف پژوهش

۱. شناسایی علل عدم فعالیت دانش‌آموزان در کلاس درس مطالعات اجتماعی؛

۲. شناسایی و مطالعه راهبردهای فعال‌سازی دانش‌آموزان در کلاس درس؛
۳. تقویت و پرورش انگیزه یادگیری درس مطالعات اجتماعی در دانش‌آموزان؛
۴. فراهم آوردن زمینه، شرایط و امکانات لازم برای فعال‌سازی دانش‌آموزان در درس مطالعات اجتماعی.

وضع موجود

من دبیر علوم اجتماعی و دارای مدرک کارشناسی در رشته علوم اجتماعی هستم و ۲۰ سال سابقه خدمت دارم. شش سال سرگروه علوم اجتماعی منطقه ۱۹ بوده‌ام و ۱۷ سال در «دبیرستان فاطمه زهرا(س)» درس داده‌ام. از نظر وضعیت اقتصادی-اجتماعی، دانش‌آموزان این مدرسه جزو طبقه متوسط هستند. این دبیرستان یک نوبتی است و شش کلاس اول متوسطه آن در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ که تعداد دانش‌آموزان آن‌ها ۱۵۷ نفر بود، جامعه آماری را تشکیل می‌دادند. وظیفه تدریس مطالعات اجتماعی به آن‌ها برعهده من بود. به روش نمونه‌گیری قضاوتی ۵۲ نفر از دانش‌آموزان انتخاب شدند و روش جدید با این تعداد تجربه شد.

به عنوان نخستین گام برای شناسایی علل بی‌علاقگی دانش‌آموزان به درس مطالعات اجتماعی این سؤال را از دانش‌آموزان پرسیدم که علت عدم فعالیت شما در زنگ مطالعات اجتماعی چیست؟ چرا هیچ‌گونه تلاش و جدیتی در این زمینه از خود نشان نمی‌دهید؟ سپس به آنان فرصت دادم که نقطه نظرات خود را بدون ذکر نام روی برگه‌ای بنویسند و تحویل دهند. بعد از مطالعه برگه‌ها متوجه شدم که به عقیده آن‌ها این درس:

۱. کسل‌کننده است.
۲. فایده ندارد.

آن‌گاه به سراغ بعضی از همکاران هم‌رشته‌ام رفتم و از آن‌ها پرسیدم که چرا دانش‌آموزان در درس مطالعات اجتماعی این‌گونه رفتار می‌کنند. برخی دلایل آن‌ها چنین بود:

۱. چون والدین دانش‌آموزان به علوم اجتماعی اهمیت نمی‌دهند.
۲. مطالب کتاب جذابیت ندارد.
۳. روش آموزش معلمان علوم اجتماعی مطلوب نیست.

خودم نیز با توجه به تجربه کاری و مطالعاتی که داشتم، علل مشکلات را در عوامل زیر یافتیم:

۱. روش‌های تدریس علوم اجتماعی کارایی ندارد.
۲. رشته تحصیلی بعضی از معلمان این درس نامرتب است و این درس را به عنوان تکمیل کسری ساعات تدریس پذیرفته‌اند.
۳. کادر اداری اهمیت لازم را برای این درس قائل نیست.

بنویسند. در پایان تصحیح برگه‌های آزمون، معلوم شد فراوانی نسبی پاسخ‌های درست ۳۰ درصد است و ۷۰ درصد دانش‌آموزان توانایی یافتن مصداق هنجارها را نداشتند. این مشاهدات کفایت می‌کرد که از نتیجه فعالیت آموزشی خود ناراضی باشم.

پیشینه مطالعات

حاصل مطالعاتم در مورد «روش ایفای نقش» (بازی نقش) چنین بود:

نقش الگویی است متشکل از رفتارها و مربوط به موقعیت فرد در مجموعه‌ای تعاملی. نقش اجتماعی الگوی رفتاری است که اعضای گروه در مورد آن توافق کرده‌اند و برای گروه ارزشی عملکردی دارد. [سرو مقدم، ۱۳۷۲: ۱۱۴۱].

بازی نقش روشی است برای یادگیری که دست‌یابی به نقش را به کمک تمرین قبلی امکان‌پذیر می‌کند. فرد به کمک «بازی نقش» می‌تواند کنش‌ها و نگرش‌های ضروری و تجویز شده از سوی خود نقش را یاد بگیرد. به‌علاوه، اگر این نقش باید در زمینه‌ای تعاملی ایفا شود، فرد خواهد توانست در جریان این صحنه بازی، عواملی را احتمالاً مزاحم مسئله برقراری ارتباط خواهند شد و به این ترتیب از کارایی آن خواهند کاست، حذف کند [پیشین].

تکنیک «بازی نقش»^۲ افزایش کارایی فرد را چه در زمینه عملی و شغلی و چه در قلمرو روابط اجتماعی و زندگی خانوادگی ممکن می‌سازد. این تکنیک به شرکت‌کنندگان کمک می‌کند تا نقش شغلی خود را یاد بگیرند و روابط بین اشخاص را که به دنبال می‌آورد، جذب کنند. بازی نقش می‌تواند به انطباق متقابل اعضای گروه یاری رساند و با پذیرش تجدیدنظر در رفتارها یا احساسات زبان‌بار- نظیر خصومت- به بهبود جو اجتماعی گروه کمک کند.

«پایگاه» به موقعیت اجتماعی و جایگاهی اطلاق می‌شود که فرد در گروه یا در مرتبه اجتماعی یک گروه، در مقایسه با گروه‌های دیگر، احراز می‌کند. پایگاه و موقعیت اجتماعی فرد، حقوق و مزایای شخص را تعیین می‌کند. نقش به رفتاری اطلاق می‌شود که دیگران از فردی که پایگاه معین را احراز کرده است، انتظار دارند، نقش‌های مناسب به صورت بخشی از فرایند اجتماعی شدن به فرد آموخته شدند و سپس او آن‌ها را می‌پذیرد [کوئن، ۱۳۶۷: ۸۳].

«نقش اجتماعی»^۳ اجتماعی در حقیقت مجموعه انتظاراتی است که به یک پایگاه خاص ضمیمه است. وقتی ما صاحب پایگاهی هستیم، نقشی را هم که با آن پایگاه مرتبط است، ایفا می‌کنیم. «نقش» رفتاری است که دیگران از ما انتظار دارند، چراکه ما ایفای وظیفه خاصی را برعهده داریم و یا آن که پایگاه مشخصی را اشغال کرده‌ایم. برخی از «هنجارها»^۴ نیز با پایگاه‌ها مرتبط یا همراه با آن هستند. در نقش برادر یا خواهر، از ما انتظار می‌رود که حالتی مهربان، حامی، صدیق و وفادار داشته باشیم. ایفای نقش‌های

البته ضعف روش‌های تدریس تنها عاملی بود که به خودم مربوط می‌شد و می‌توانستم در تغییر، اصلاح و ارزیابی آن اقدام کنم. برای اجرای روش جدید در آغاز کار می‌باید یک مفهوم مشخص انتخاب و میزان یادگیری دانش‌آموزان در روش معمول با روش جدید مقایسه می‌شد. به این منظور، مفهوم «هنجار اجتماعی»^۱ را که یکی از مفاهیم کلیدی درس است، برگزیدم. دانش‌آموزان نخست در پایه سوم راهنمایی با این مفهوم آشنا می‌شوند و پس از آن نیز به عنوان یک درس عمومی همه دانش‌آموزان سال اول متوسطه در درس مطالعات اجتماعی به عنوان سه واحد درس عمومی، در بعد وسیع‌تری مفهوم هنجار اجتماعی را فرا می‌گیرند.

با هدف بررسی وضع موجود، از دانش‌آموزان خواستم اطلاعات خود را در مورد هنجار اجتماعی روی یک برگ بنویسند و در ضمن گفتم که می‌توانند از کتاب استفاده کنند. پس از جمع‌آوری پاسخ‌ها مشاهده کردم گروهی از دانش‌آموزان تعریف سال گذشته (سوم راهنمایی) را دقیقاً نوشته‌اند: «بایدها و نبایدهای روزمره را که به رفتار ما جهت می‌دهند، هنجار می‌گویند» [تعلیمات اجتماعی، سال سوم راهنمایی، ص ۱۷].

گروهی دیگر از دانش‌آموزان با استفاده از کتاب سال اول متوسطه (مطالعات اجتماعی) هنجار اجتماعی را این‌گونه تعریف کرده بودند: «به رفتارهایی که فرد با عضویت در گروه باید آن‌ها را انجام دهد و در صورت رعایت نکردن، با مجازات گروه روبه‌رو می‌شود، الگوی عمل یا هنجار می‌گویند» [مطالعات اجتماعی، سال اول متوسطه].

تعریف هر دو گروه از هنجار اجتماعی، درست بود و در کتاب‌های درسی نیز همین تعاریف آمده بود. دانش‌آموزان در ظاهر موفق به نظر می‌رسیدند. برگه‌ها را دوباره به آن‌ها دادم تا پشت آن‌ها چهار هنجار محیط آموزشی و چهار هنجار محیط خانواده را بنویسند. اما این بار فقط در یک کلاس پنج نفر و در کلاس دیگر هفت نفر پاسخ درست دادند. بنابراین فهمیدم دانش‌آموزان مصداق هنجار را نمی‌شناسند و در ارائه مثال و نمونه ضعیف هستند. و بیشتر آن‌ها تعریف هنجار را به سختی و با زحمت به حافظه می‌سپارند و در برابر پرسش و آزمون همان را تکرار می‌کنند.

در کتاب مطالعات اجتماعی موضوع درس سوم ارزش و هنجارهای اجتماعی است. از دانش‌آموزان خواسته شد که پاسخ فعالیت شماره ۴ درس مذکور را بنویسند. این فعالیت از دانش‌آموزان می‌خواهد برای مهمانی رفتن و عبور و مرور در خیابان هنجارهایی بیابند و در دفتر مطالعات اجتماعی یادداشت کنند. در جلسات بعدی که تکلیف‌ها را بررسی می‌کردم، مشاهده کردم که تنها چند نفر توانایی انجام تکلیف را داشته‌اند. سایر دانش‌آموزان با اظهار عجز می‌خواستند که پاسخ فعالیت‌ها را یک به یک به آن‌ها بگویم.

در آزمون پایان نیم‌سال، مفهوم هنجار را به صورت یک پرسش در سطح کاربرد مطرح کردم. بدین صورت که از دانش‌آموزان خواستم «چهار هنجار محیط آموزشی و چهار هنجار محیط بازر» را

اجتماعی حالتی شبیه ایفای نقش در یک صحنه نمایش (مانند تئاتر) است.

بازی یکی از مطلوب‌ترین وسایل تعلیم و تربیت است. حتی برخی از مربیان استفاده از وسایل بازی را به عنوان عمده‌ترین وسیله آموزش کودک برای یادگیری موضوعات مختلف مورد تأکید قرار داده‌اند. تقویت حواس کودک باعث می‌شود او بتواند در جهت رشد قوای ذهنی خود آن‌ها را به کار گیرد. رشد قوای حسی و ذهنی کودک خود نیز به افزایش رشد اجتماعی کودک در جهت ایفای نقش‌های اجتماعی و شرکت در فعالیت‌های گروهی می‌انجامد.

پیشرفت روش‌های آموزشی و طراحی سیستم‌های مطلوب و مناسب یادگیری و آموزش باعث شده است تغییرات چندی در چگونگی استفاده از وسایل بازی پدید آید. اساس استفاده از این‌گونه وسایل بازی (رایانه، تلویزیون و...) برای آموزش حول محور نظریه بازخورد، و تقویت یادگیرنده، متمرکز شده است. به این صورت که یادگیرنده در مقابل اجرای عمل در هر مرحله از آموزش، با دریافت «بازخورد»، در مورد چگونگی اجرای عمل خود شخصاً قضاوت می‌کند و با تصحیح اشتباهات خود به سمت یادگیری مرحله بعدی پیش می‌رود. برای یاد دادن از طریق بازخورد، هر یک از این سیستم‌ها از روش خاصی استفاده می‌کنند. برخی بر تقویت بیرونی و برخی دیگر بر تقویت درونی یادگیرنده تأکید می‌ورزند، اما در هر دوی این موارد بر ارائه بازخورد و تقویت یادگیرنده توافقی مشترک وجود دارد. وجه مشترک دیگر تمامی این سیستم‌ها استفاده از امکانات بالقوه بازی و توجه به جنبه سرگرم‌کننده و تفریحی بودن بازی است (آمهور، ۱۳۷۲: ۴-۲۶۳).

کودکانی که زندگی خود را با بازی آغاز می‌کنند، شروع خوبی دارند. این امر در سطوح بسیار به یادگیری و انگیزش آن‌ها کمک می‌کند. کودکان در همه سنین، از جمله در دوران نوجوانی، به بازی نیاز دارند. بازی، موجب تقویت نگرش‌های «می‌توانم انجام دهم» و «می‌خواهم انجام می‌دهم» به زندگی می‌شود، زیرا به حمایت، پرورش و بهبود خصوصیات زیر منجر می‌شود:

- کنجکاوی، و برانگیختگی و شگفتی ناشی از اکتشافات مختلف؛
- خلاقیت و انعطاف‌پذیری، از طریق کندوکاو در خیالات و حل مشکلات؛
- اعتماد به نفس؛
- تمرکز از راه اشتیاق حل شدن در بازی؛
- همکاری در بازی با دیگران، یادگیری انجام کارها به نوبت، و سازش با دیگران؛
- اجتماعی بودن و درک نیازها و احساس‌های دیگران؛
- حل مشکل و رسیدن به توافق با دیگران [هارتلی بروئر، ۱۳۸۶: ۱۹۱].

یادگیری فرایندی است که به وسیله آن، تغییرات نسبتاً پایداری در توان رفتاری و در نتیجه تجربه رخ می‌دهد. اصطلاحات کلیدی

در این تعریف، فرایند، نسبتاً پایدار، توان (پتانسیل) و تجربه هستند. ما وقوع یادگیری را نمی‌بینیم، بلکه آن را از عملکرد استنباط می‌کنیم. تغییرات در عملکرد، تغییر در یادگیری را نشان می‌دهد [اسیدمحمدی، ۱۳۷۷].

گانه نیز در نظریه «سلسله مراتب یادگیری» خود بر این عقیده است که یادگیری انسان در رابطه با موضوع مورد آموزش به صورت سلسله مراتبی است که در ابتدا باید مفاهیم ساده به آموزش درآیند و سپس به سمت یادگیری‌های پیچیده‌تر به پیش رفت [همان، ص ۲۸۱].

پایه بر این عقیده است که تشابه زیادی میان رشد جسمانی و رشد ذهنی فرد وجود دارد، زیرا همان‌گونه که رشد جسمانی به تدریج به‌وقوع می‌پیوندد، رشد ذهنی نیز باید مراحل متفاوتی را پشت‌سر بگذارد تا کامل شود. اما رشد جسمانی محدوده‌ای خاص دارد، یعنی تا زمانی مراحل صعودی خود را می‌گذراند و سپس از نقطه اوج خود سیری نزولی را طی می‌کند. در حالی که رشد ذهنی تقریباً نامحدود و فاقد سیر نزولی است. تازه اگر این موضوع هم پیش آید زمان آن بیشتر، کندتر و دیرتر از سیر نزولی رشد جسمی است. ارتباط میان یادگیری‌ها و آموزش‌های اولیه و اثر آن بر زندگی آینده فرد، در دیدگاه‌ها و نظریات سایر روان‌شناسان آموزشی نیز به چشم می‌خورد. مثلاً آرزویل با نظریه پیش‌سازمان‌دهنده خود این موضوع را مطرح می‌سازد که یادگیری انسان هم‌چون درختی است که ریشه در گذشته دارد. لذا هرچه میان آموخته‌های جدید با دانسته‌های قبلی ارتباط زیادتری باشد، یادگیری جدید بهتر و سریع‌تر اتفاق خواهد افتاد.

مطالعه انگیزش برای مربیان مطمئناً با مطالعه یادگیری آمیخته است. به‌طوری که وانیر (۱۹۹۰) می‌گوید: «انگیزش غالباً از یادگیری استنباط می‌شود و معمولاً برای روان‌شناسی پرورشی، یادگیری نشانه انگیزش است» (ص ۶۱۸).

موضوع اصلی این است که چگونه افراد را برای پرداختن به یادگیری جدید آماده کنیم؟ معلمان، مربیان، یا طراحان آموزشی چگونه می‌توانند شرایط لازم را برای انگیزش به‌وجود آورند؟

کلر توصیه کرد معلمان برای نگه‌داشتن توجه یادگیرندگان، نحوه ارائه بحث‌های آموزشی خود را تغییر دهند. علی‌رغم علاقه یادگیرندگان به موضوع بحث، اگر حالت یکنواختی بحث تغییر نکند، آن‌ها علاقه خود را از دست می‌دهند. بحث‌های یکنواخت به خاطر قابل پیش‌بینی بودن مطالب آن‌ها، علاقه و توجه یادگیرندگان را از بین می‌برد. سخن‌رانان برای تغییر دادن این حالت یکنواختی می‌توانند از فیلم استفاده کنند، وسایل کمک‌آموزشی را به کار گیرند، یا بحث‌های گروهی کوچک را که کل کلاس را درگیر کند، ترتیب دهند.

یکی از منابع انگیزش برای یادگیری، کنجکاوی است که در کودکان و بزرگسالان برانگیزنده قدرتمندی است. منبع

فعالیت‌های روزمره

انسان‌ها در جامعه مبتنی

بر «نظم اجتماعی»^۵

است و این نظم از

طریق افراد و رفتار

گروه‌های اجتماعی

تداوم پیدا می‌کند.

در حقیقت هر رفتار

اجتماعی از طریق

هنجارها و قوانین

خاصی اداره می‌شود

دیگر، مربوط بودن تکلیف است. یادگیرندگان برای آموختن چیزهایی که آن‌ها را مربوط می‌دانند و به آن‌ها علاقه دارند، بیشتر برانگیخته می‌شوند. هم‌چنین، تعیین هدف از منابع مهم انگیزش است.

منبع قدرتمند دیگر انگیزش، کارایی شخصی است که منظور از آن، اعتقاد یادگیرندگان به خودشان در رابطه با دشواری و پیامد تکلیف است [پیشین].

فعالیت‌های روزمره انسان‌ها در جامعه مبتنی بر «نظم اجتماعی»^۵ است و این نظم از طریق افراد و رفتار گروه‌های اجتماعی تداوم پیدا می‌کند. در حقیقت هر رفتار اجتماعی از طریق هنجارها و قوانین خاصی اداره می‌شود، و در این‌جا منظور از هنجارها، استانداردهای رفتاری است که از طریق افراد و گروه‌های اجتماعی از همگان انتظار می‌رود [محسنی، ۱۳۷۹: ۲۸۹].

در آموزش درس مطالعات اجتماعی به شیوه اجرای نقش به هیچ سابقه‌ای دست نیافتیم. می‌توانم بگویم که این شیوه آموزش نخستین‌بار توسط من در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ اجرا شده است. با وجود این در بررسی منابع و پژوهش‌های عملی (اقدام پژوهی) انجام گرفته در زمینه ایفای نقش در داخل کشور، موارد زیر را یافتیم:

۱. خانم فاطمه مینا از استان فارس، در گزارش اقدام پژوهی خود در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ می‌نویسد: قصد داشتم یادگیری و یادسپاری گروه‌های اسمی و فعلی را در درس زبان فارسی برای دانش‌آموزانم آسان و ماندگار سازم. به این منظور از روش تدریس بازی و نمایش استفاده کردم، زیرا به کمک این روش مربی می‌تواند هم مسئله را برای دانش‌آموزان بشکافد و هم خلاقیت ذهن آنان را افزایش دهد. به عبارت دیگر:

● تدریس بر مبنای بازی هم شخصیت یادگیرندگان را شکل می‌دهد و هم یادگیری را آسان می‌کند.

● تشریک مساعی دانش‌آموزان در یادگیری مطلوب‌ترین نتیجه را عاید معلم می‌کند.

۲. خانم ژاله حسینی داور، دبیر «دبیرستان شهید مطهری تهران» می‌نویسد: یکی از الگوهای نوین تدریس که دانش‌آموزان در آن مشارکت فعال دارند «الگوی (دریافت مفهوم)» است. مشارکت، همکاری، کاوشگری، رشد تفکر خلاق، پرورش استدلال و ایجاد فرصت تفکر به دانش‌آموزان برای حل مسئله، از مهم‌ترین مسائلی است که در این الگو مورد نظر است. من این الگو را در مورد یکی از مباحث و مفاهیم کتاب مطالعات اجتماعی (مفهوم الگوی عمل یا هنجار، صفحه ۲۲) طی ۱۲ مرحله با مشارکت جدی فراگیرندگان به اجرا درآوردم.

به عنوان نمونه، سلام کردن به یکدیگر (مثبت) و سلام نکردن به یکدیگر (منفی)، یا محبت کردن به دیگر اعضا (مثبت) و بی‌محبت بودن نسبت به اعضا را در نظر گرفتیم و در پایان با مشارکت همه دانش‌آموزان به تعریف مفهوم هنجار رسیدیم.



در این شیوه چون از ابتدای اجرای الگو تا انتها یعنی درک مفهوم مورد نظر، خود دانش‌آموزان فعالانه شرکت دارند و همکاری و مشارکت شرطی ضروری و مهم است، لذا اضطراب و نگرانی دانش‌آموزان که خود (سدی در راه یادگیری است) کاهش می‌یابد و نیز موجب علاقه‌مندی آن‌ها نسبت به این درس می‌شود. هم‌چنین، از آن‌جا که نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد اجرای این روش در کلاس به موفقیت و پیشرفت یادگیری در دانش‌آموزان می‌انجامد و نیز باعث می‌شود که بیشتر مطالب و مفاهیم در کلاس درس آموخته شوند و آن‌ها کمتر مطالب را فراموش کنند، پس می‌توان از این شیوه در تدریس بقیه مطالب و محتوای کتاب مطالعات اجتماعی استفاده کرد.

۳. پیشینه دیگر آموزش هنجار متعلق به آقای ایار از استان گیلان بود. وی می‌کوشید مفهوم هنجار را در درس مطالعات اجتماعی به روش هم‌یاری و بحث گروهی آموزش دهد و به نتایج مثبتی رسید.

با توجه به تحقیقات انجام شده به نکات زیر می‌توان پی برد:

۱. روش یادگیری از طریق هم‌یاری و بحث گروهی، روش کارآمدی در فرایند یاددهی - یادگیری است و سبب صمیمیت افراد با یکدیگر می‌شود.

۲. یادگیری از طریق مشارکتی یا آموزش از طریق هم‌یاری، رویکردی جدید در آموزش است که هدف‌های عمده آن عبارت‌اند از: درگیر کردن دانش‌آموزان در فرایند یادگیری؛ از بین بردن حالت تک‌بعدی و معلم‌محور در کلاس؛ ایجاد علاقه و انگیزه برای یادگیری فعال در دانش‌آموزان.

تجزیه و تحلیل شواهد

بررسی پیشینه موضوع و کتاب‌های موجود در این زمینه در نهایت به نتایج زیر منجر می‌شود:

● در یادگیری، استفاده از بازی نقش، مشارکت و هم‌یاری تأثیر بسزایی دارد.

● از دیدگاه پیاژه، رشد جسمانی پس از مدتی متوقف می‌شود و سپس سیر نزولی می‌پیماید، در حالی که در رشد ذهنی، سیر رشد و پیشرفت نامحدود یا بسیار کندتر است. لذا می‌توان با تقویت رشد ذهنی دانش‌آموزان، یادگیری و سرعت این سیر را بیشتر کرد. یکی از مهم‌ترین راه‌های تحقق این هدف می‌توان بازی نقش باشد.

● اگر کنجکاوی را به‌عنوان یکی از منابع انگیزش بپذیریم، لذا می‌توان با اجرای بازی نقش حس کنجکاوی را در یادگیرنده تقویت کرد و به این ترتیب به عمق و عمر یادگیری افزود.

● از آن‌جا که پذیرش نقش یعنی الگوهای عملی که فرد پذیرنده نقش ملزم به انجام آن است، در یادگیری و عمق بخشیدن به آن می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد، لذا می‌توان با اجرای این امر در بازی نقش، یادگیرنده را به تعهد و تکلیف بیشتری وادار کرد.

● در بازی نقش، فرد از حالت تماشاچی صرف خارج می‌شود و خود به فعالیت دست می‌زند لذا می‌توان این پدیده را یکی از عوامل مؤثر در بهبود فرایند یادگیری به حساب آورد.

● در پدیده بازی نقش، چون لازمه ایفای نقش درک مفهوم و دریافت کامل آن است، لذا می‌توان با واگذاری مسئولیت در بازی نقش، یادگیرنده را به این سمت هدایت کرد.

راه‌حل‌های حل مشکل

● تغییر در نحوه تدریس و انتخاب شیوه ایفای نقش و سایر شیوه‌های آموزشی فعال؛

● ارتباط دادن محتوای درس به واقعیات زندگی روزمره؛

● تقویت انگیزه دانش‌آموزان؛

● به‌کارگیری ابزار و وسایل متنوع به هنگام تدریس؛

● به‌کارگیری اصل تشویق و تنبیه در جریان تدریس.

راهکارهای فوق ارزیابی و در نهایت راهبردهای زیر برای حل مشکل انتخاب شدند:

راه‌حل‌های نهایی

● استفاده از رویکرد تدریس ایفای نقش؛

● ارتباط دادن محتوای درس با واقعیات زندگی؛

● تقویت انگیزه دانش‌آموزان.

اجرای روش تدریس جدید

با امید و هیجان روش تدریس ایفای نقش را به مرحله اجرا در آوردم و برای نخستین‌بار، موضوع آموزش هنجار را در نظر گرفتم. و نمایش‌نامه‌ای مقدماتی برای آن تهیه کردم و سپس ایفاگران نقش را که هفت دانش‌آموز علاقه‌مند و مستعد بودند، انتخاب کردم تا در قالب یک خانواده سه نفری با نقش‌های پدر، مادر و دختر به عنوان مهمان و یک خانواده چهار نفری (شامل نقش‌های پدر، مادر، دختر و پسر به عنوان میزبان، به ایفای نقش بپردازند.

به سایر دانش‌آموزان که نقش تماشاگر را داشتند، برگه سفیدی داده شد تا تعامل دو خانواده اعم از گفت‌وگو و رفتارها را ثبت کنند و در پایان مراسم میهمانی (نمایش) به معلم تحویل دهند. هم‌چنین:

● به دو خانواده توصیه شد حرکات آرام و جدی داشته باشند و با صدای رسا تعارف و گفت‌وگو کنند.

● به خانواده چهار نفری ۲۰ دقیقه فرصت داده شد تا برای نقش میزبانی خود رفتار و گفتار مناسب را تمرین کنند.

● به خانواده سه نفری ۲۰ دقیقه فرصت داده شد تا برای نقش میهمانی خود رفتار و گفتار مناسب را تمرین کنند.

سپس چهار میز به صورت مستطیل در جلو کلاس ردیف شد تا مهمانان و میزبانان رودرروی هم قرار گیرند و گفت‌وگو کنند. از گروه

نظارت بر اجرای روش تدریس ایفای نقش

پس از اجرای نمایش، برگه‌هایی که برای ثبت رفتار مهمانان و میزبانان به دانش‌آموزان (تماشاگران) داده شده بود، جمع‌آوری شد. در این برگه‌ها، محاوره‌ها، رفتارها و ژست‌های گروه‌های میزبان و مهمان منعکس شده بود.

در حالی که کلاس شکل عادی به خود گرفته بود، به دانش‌آموزان گفتم که به تعریف هنجار که روی تخته کلاس نوشته شده بود دقت کنند. شرح دادم که همه گفته‌ها، حالت‌ها و ژست‌های گروه میزبان و گروه مهمان که در تعامل با یکدیگر انجام داده بودند، مطابق هنجار بود و فردی مجازات و سرزنش نشد. اما فرض کنید رفتارها و گفت‌وگوها غیر از این بود. مثلاً مهمان بدون این که در بزند یا خبر کند به خانه میزبان می‌آمد. بی‌شک با تعجب و سکوت سرزنش‌آمیز میزبان روبه‌رو می‌شد. یا پس از ورود مهمانان، گروه میزبان از جا بلند نمی‌شدند و استقبال نمی‌کردند. اضافه کردم آن چه شما دانش‌آموزان با مشاهده رفتار مهمانان ثبت کردید، رفتارهای مطابق هنجار و الگوی عمل اجتماعی بود. هنجار قاعده رفتار است؛ چه رفتار دوستانه و غیررسمی و چه رفتار شغلی و سیاسی که حالت رسمی دارد.

اظهارات برخی دانش‌آموزان در مورد این روش به شرح زیر بود:
محیا عبادی: نمایش خوبی بود و مفهوم هنجار را متوجه شدم.
لیلا یوسفی: مفهوم هنجار کاملاً برایم جا افتاد و دیگر آن را با ارزش اشتباه نمی‌کنم.

مونا قهرمانی: نمایش خیلی خوبی بود و در آن تعامل اجتماعی و ارزش و هنجار رعایت شده بود. من این تعاریف را به خوبی یاد گرفتم.
آرزو اسد بیگی: هدف از اجرای نمایش، نشان دادن مفهوم هنجار، نقش و تعامل اجتماعی بود. نمایش به خوبی توانست این مفاهیم را به نمایش درآورد.

مهمان خواستم از کلاس خارج شوند و پس از یک لحظه با ادا و اطوار مهمان وارد کلاس شوند. مهمانان و میزبانان یکدیگر را با نام‌هایی که توافق کرده بودند، خطاب می‌کردند.

در کتاب مطالعات اجتماعی در فصل اول گفته شد که دوران نوجوانی و جوانی دوران انتخاب‌های دوره‌ای است که فرد از حال جدا و به آینده معطوف می‌شود. لذا توجه به آینده برای او امری مهم، سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده است؛ انتخاب مواردی چون رشته تحصیلی و جهت‌گیری گروهی. همچنین، تأثیر گروه بر خود آگاهی (هر کس خود را در آینده دیگران می‌بیند و می‌شناسد) مطرح شده و تأثیر گروه در کسب استقلال و بلوغ اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است.

هم‌چنین، در فصل آخر همین کتاب، نظام سیاسی معرفی شده و پس از طرح نظام خود کامه و نظام قانونی، ساختار نظام قانونی تشریح شده است. در واقع در این درس الفبای چگونگی رفتار سیاسی فرد به عنوان شهروند ارائه شده و پس از طرح ویژگی‌های نظام مردم‌سالاری، پایه‌های این نظام که در نمایندگی و انتخاب نماینده استوار است، توضیح داده شده است.

معلم می‌تواند با در نظر گرفتن انتخاب‌های سیاسی، مانند انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخاب رئیس‌جمهوری، که با حساسیت و سر و صدا و جلب توجه زیاد برگزار می‌شود، بیش از پیش توجه دانش‌آموزان را به این انتخاب‌ها و آنچه در سطح رسانه‌ها و جامعه جریان می‌یابد، جلب کند و به مطالب کتاب درسی پیوند دهد. او می‌تواند به پرسش‌های دانش‌آموزان که در چنین موقعیت‌هایی برانگیخته می‌شود، پاسخ علمی بدهد و چند نظام سیاسی را که در سطح جهان شناخته شده‌اند، با نظام سیاسی کشور خود مقایسه کند. بی‌تردید این شیوه آموزش بسیار کارآمد باعث علاقه‌مندی دانش‌آموزان می‌شود.

هنجارهای استقبال و پذیرایی

میزبانان	مهمان‌ها
۲. به استقبال رفتند.	۱. در زدند.
۴. سلام علیک!	۳. سلام!
۶. آری خدا را شکر، به خوشی شما.	۵. حالتان خوب است؟ خوش هستید؟
۸. خوش آمدید خیلی خوش حال شدیم.	۷. خیلی وقت بود می‌خواستیم بباییم، دلمان تنگ شده بود.
۱۰. جای بردارید، آب هم می‌آورم.	۹. هوا خیلی گرم است، اگر ممکن است به من آب بدهید.
۱۲. تلاش می‌کنیم یک لقمه نان حلال تهیه کنیم.	۱۱. از کار و کاسبی در بازار چه خبر؟
۱۴. شیرینی و میوه بفرمایید.	۱۳. چشم، خیلی ممنون.
۱۴. از اسباب‌کشی بگویید، خانه‌تان را عوض کردید؟	۱۵. بله خیلی سخت بود حمل کردن وسایل، خودت که می‌دانی.
۱۶. منزلتان را چند خریدید و چند خوابه است؟	۱۷. ۱۲۰ میلیون. دو خوابه است. در خانی آباد خریدیم.
۱۹. بفرمایید شام در خدمتان باشیم.	۱۸. مهمانان بلند می‌شوند تا خداحافظی کنند.
۲۱. بفرمایید غذا سرد نشود.	۲۰. حالا که اصرار می‌کنید، در خدمت هستیم.
۲۳. خواهش می‌کنم، کاری نکردیم.	۲۲. دستتان درد نکند از این که شام درست کردید.
۲۵. خوش آمدید.	۲۴. ان‌شاءالله شما هم تشریف می‌آورید. منتظر هستیم. زحمت کشیدید.

شیرین مددی: هدف نمایش این بود که ما با مفهوم هنجار و نقش بهتر آشنا شویم و آن‌ها را بهتر انجام دهیم. فهمیدم که هر فرد در زندگی خود الگوی عمل خاصی را مطابق نقش خود انجام می‌دهد.

هنگام اجرای طرح جدید، از مدیر مدرسه و یکی از معاونان و مشاور دبیرستان تقاضا کردم تا در کلاس درس حضور یابند و بر چگونگی اجرای طرح نظارت کامل داشته باشند. آن‌ها با حضور خود در کلاس و مشاهده عینی مراحل کار، استفاده از این شیوه را بسیار مفید دانستند.

نتایج

۱. آموزش به روش «ایفای نقش» و در عین حال پژوهش در کارآمدی و ناکارآمدی این روش، تا حدی نشان داد که عدم فعالیت دانش‌آموزان در دروس علوم اجتماعی وابسته به شیوه تدریس است. اگر شیوه تدریس مناسب انتخاب و اجرا شود، دانش‌آموزان نیز فعالیت و کنجکاوی نشان می‌دهند. همان‌طور که در حین اجرای این روش تعداد بیشتری از دانش‌آموزان سؤال طرح می‌کردند و درخواست توضیح بیشتری درباره موضوعات درسی داشتند.

۲. برای فعال ساختن دانش‌آموزان و راه بردن آنان در یاد گرفتن مفاهیم، تفکر و تأمل در مفاهیم علمی کتاب، و ارتباط دادن آن‌ها با مسائل اجتماعی محیط زندگی، گام نخست ارائه آموزش درست و جذاب از سوی معلم است. این که چه روشی باید انتخاب و چگونه اجرا شود همواره باید دغدغه معلم باشد. علاوه بر این، معلم باید مبنای بحث‌های کلاس را موضوعات با اهمیت قرار دهد؛ مثلاً ادامه تحصیلات و اشتغال و یا موضوع‌هایی که علاقه دانش‌آموزان را برای بحث و پژوهش جلب می‌کنند.

۳. یادگیری برای اخذ نمره و دریافت مدارج تحصیلی، شاید هدف بسیاری از دانش‌آموزان باشد، تعداد کمی از دانش‌آموزان یادگیری را به خودی خود دنبال می‌کنند و آن را برای بهتر زیستن و بهتر فهمیدن پی می‌گیرند. از آن‌جا که درس مطالعات اجتماعی به عنوان درسی عمومی در سال اول متوسطه ارائه می‌شود و برای رشته‌های ریاضی و علوم تجربی تکرار نمی‌شود، این درس از نظر این که پیش‌نیاز و پایه یک درس در آینده باشد، اهمیت ندارد. بلکه توجه به این درس باید با تأکید و توجه دادن به اهمیت علوم اجتماعی در زندگی مورد نظر قرار گیرد. بنابراین، دانش‌آموز را فقط با اهمیت دادن به این درس آن هم در همین پایه باید به مباحث درس و مسائل اجتماعی علاقه‌مند کرد.

پیشنهادات

۱. دبیر علوم اجتماعی پیش از هر اقدام، مفید بودن این درس را در زندگی روزمره به باور دانش‌آموزان تبدیل کند.

۲. دبیر علوم اجتماعی پشتوانه علمی و نظری و تاریخ تحول و پیشرفت این علوم را حداقل در سه قرن اخیر بیان کند.

۳. دبیر علوم اجتماعی تلاش طاقت‌فرسای صاحب‌نظران و بزرگان این علوم را به تناسب و در حاشیه درس و بحث بازگو کند.

۴. دبیر علوم اجتماعی در هر سال تحصیلی یک پژوهش به عنوان پژوهش در عمل انجام دهد.

۵. تا حد امکان از طیف آموزش‌های فعال استفاده شود؛ از روش‌هایی مثل ایفای نقش و الگوی تدریس مشارکتی.

۶. اصل تشویق و پاداش همواره مورد نظر قرار گیرد.

۷. دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی آموزشی و برنامه‌ریزی درسی، از افراد متخصص این رشته علمی برای تألیف کتاب و برنامه‌ریزی درس استفاده کنند و همواره در نظر داشته باشند که تألیف کتاب‌های علوم انسانی به‌طور کلی و علوم اجتماعی به‌طور خاص، بسیار ظریف‌تر و دشوارتر از تألیف سایر کتاب‌های درسی است.

پی‌نوشت

1. Social Norm
2. Playing Role
3. Social Role
4. Norm
5. social order

منابع

۱. هارتلی برنر، الیزابت. ایجاد انگیزه در کودکان. ترجمه احمد ناهیدی. انتشارات رشد. چاپ دوم. ۱۳۸۶.
۲. ایار. استان گیلان. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش. ۱۳۸۵.
۳. بروس، جویس. الگوهای تدریس ۲۰۰۴. ترجمه محمدرضا بهرنگی. کمال تربیت. ۱۳۸۴.
۴. کوئن، بروس. مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل. انتشارات سمت. ۱۳۶۷.
۵. تعلیمات اجتماعی، سال سوم راهنمایی.
۶. حسینی، داود. فرهنگ تعاریف تعلیم و تربیت. احرار. تبریز. ۱۳۷۵.
۷. حسینی داور، زاله. دبیرستان شهید مطهری همدان.
۸. تاپزسن، ساندر. چگونه با کودک خود بازی کنیم. ترجمه سیامک رضا مهجور. انتشارات اسوه. ۱۳۷۳.
۹. سیدمحمدی، یحیی. روان‌شناسی یادگیری. نشر روان. ۱۳۷۷.
۱۰. سرو مقدم، ابوالحسن. مفهوم نقش در روان‌شناسی اجتماعی. انتشارات معاونت فرهنگی، آستان قدس رضوی. چاپ اول. ۱۳۷۲.
۱۱. صفوی، امان‌الله. کلیات روش‌ها و فنون تدریس. شرکت چاپ و نشر ایران. ۱۳۶۹.
۱۲. قاسمی، پویا. راهنمای پژوهنده. نشر اشاره. تهران. ۱۳۸۲.
۱۳. رضا مهجور، سیامک. روان‌شناسی بازی. انتشارات راهگشا. چاپ سوم. ۱۳۷۲.
۱۴. محسنی، منوچهر. مقدمات جامعه‌شناسی. انتشارات آگاه. ۱۳۷۹.
۱۵. مینا، فاطمه. اقدام پژوهی. استان فارس. سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۳.